

## دو سند در تاریخ کتابداری ایران

نوشته احمد شعبانی

چکیده: در این مقاله دو وقف‌نامه از مجموعه اسناد کتابخانه آستان قدس رضوی معرفی می‌شوند. این وقف‌نامه‌ها به قرنهای دوازدهم و سیزدهم هجری قمری تعلق دارند و در آنها واقف تعدادی کتاب را وقف عام کرده و همچنین برای کتابدار و هزینه‌های نگاهداری و صحافی کتابها نیز مبالغی را در نظر گرفته است.

دو وقف‌نامه‌ای که در اینجا به چاپ می‌رسد برگرفته از «مجموعه اسناد وقف آستان قدس رضوی» است که به شماره ۲۹۸۷ در کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران مضبوط است. در شناسایی این اسناد نخستین بار شرح و توصیف موضوعی در مقاله استاد محترم سرکار خانم نوش آفرین انصاری در جشن‌نامه استاد مدرس رضوی (تهران، ۱۳۵۶) آمده است و همو در مقاله‌ای دیگر تحت عنوان «وقف‌نامه در تاریخ کتابخانه و کتابداری» که در یادنامه ادیب نیشابوری (تهران، ۱۳۶۵) منتشر شده، اشاراتی به این اسناد کرده است. به ملاحظه اهمیت این وقف‌نامه‌ها، نگارنده اهم وقف‌نامه‌های آستان قدس رضوی را سنجید و به طبع دو متن ذیل که دارای اطلاعاتی ارزشمند در تاریخ کتابداری ایران است گماشت. این اسناد که مشتمل بر نام کتابدار و شناسایی یکی از کتابداران متأخر است و نام کتب مجموعه‌ای وقفی و شیوه امانت را ذکر کرده که در تاریخ کتابداری اهمیتی وافر دارد.

در سند نخست به تاریخ ۱۱۰۷ هجری قمری، واقف در پاره ثانوی متن حاضر به وقف بیست و هفت کتاب به مدارس مشهد سعی آورده و مقرر می‌دارد که هر کس از طلبه مدارس محتاج به مطالعه و مباحثه آن کتب بوده باشد، مقرر است متولی مزبور، آن کتاب را به مدت سه ماه به وی داده و قبضی را به متولی بسپارد. در کتب یاد شده سوای عناوین تفاسیر قرآن و علوم دینی و فقهی، نام دو کتاب خلاصه

حساب و خلاصه هیئت دیده می‌شود که نشانگر توجه طلاب علوم دینی به علوم خالص است، اما از کتابهای فلسفی و دیوان اشعار سخنی نیست.

در سند ثانوی به تاریخ ۱۲۱۲ هجری قمری عبدالمجیدخان بخشی از املاک خویش را در باغات فیض آباد ورپوند بر کتابخانه آستانه علی بن موسی الرضا (ع) وقف مؤبد و حبس مخلد نموده که هزینه آن صرف خرج صحافی کتاب و اسباب حفظ کتابخانه شود، و عشری از آن به کتابدار آن کتابخانه مبارکه تعلق گیرد. اهمیت کتابدار این کتابخانه در تفویض تولیت و القاب یاد شده ذکر شده است، و از آن جا که واقف به مقام منبع کتابدار کتابخانه مبارکه اعتماد دارد، پس از حاجی ملامحمد، تولیت را به هر یک از مباشران کتابخانه واگذار می‌نماید. جالب است که شیوه لمن و نفرین در این سند با مخالفین وقف مزبوره بسی تشدد آمیز است؛ «و کسی که مخالفت شرایط مزبوره نماید به لعنت خدا و نفرین رسول خدا و ائمه هدی گرفتار شود.»

در پایان بر خود لازم می‌دانم از راهنمایی‌های سرکار خانم نوش آفرین انصاری و جناب دکتر احمد طاهری عراقی تشکر نمایم.

شوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

سند شماره ۴۷: به تاریخ ۱۱۰۷ هجری قمری

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الواقف على ماتجه الصدور و تلحظه الاحداق المنزه عن الاباء والاولاد بالنص والاتفاق المنعم بانعام العميم على البر والفاخر في الافاق المحسن باحسانه القديم من غير استجباب ولا استحقاق. والصلوة والسلام على الابرار و نور الانوار بالعشى والاشراق و على اولاده الاوصياء الذين اذهب الله عنهم الرجس و طهرهم تطهيرا. و بعد باعث بر تحرير و تسطير اين خطاب مستطاب حاكي از صدق و صواب و خالی از ريب و ارتياب آن است که در ايمن اوقات و اسعد ساعات حاضر گردید در عليا محكمه، محكمه عليا عاليه مشهد مقدس معلی مزكى صانها الله عن الافات والبيات

جناب سیادت و نجابت و رفعت پناه مکرمت و عزت دستگاه محمدت و صلاحیت  
انتباه مرضیه الاطوار... میرزا سیدحسنا ابن مرحمت پناه میرزا ابوالقاسم الجامی و فی  
حالة الصحة والاختیار الخالیة من شایبة الاکراه والاجبار وقف مؤبد و حبس مخلد  
دینی نمود همگی و تمامی کل یک درب حوالی معین معلوم واقع در محله سراب من  
محللات مشهد مقدس معلی را که در کوچه باغ عنبر و مشتمل بر مهمانخانه و  
حرمسرا و محدود است به حدود اربعه ذیل

حدی	حدی	حدی	حدی
به خانه ذریه	به خانه <sup>۱</sup>	به بازار	به خانه ذریه
عفران پناه	ملا محمد تقی	و مرعام	عفران پناه
بوداق خان	ملا عبدالحی		بوداق خان

با کافه ملحقات و منضعات<sup>۲</sup> و متعلقات شرعی و عرفیه و عادیه آن ممر و  
مدخل ابواب و احشای و بیوت علویه و سفلیه<sup>۳</sup> و فضای متعلقه و غیرذلک، ذکرام لم  
یدکرو سُمی ام لم یسم، بر کل مقبره معلومه واقعه در پایین پای مبارک را که در  
صفا ایوان مقبره مرحمت و غفران پناه ابن حسن خان و واقف مزبور به مال و رجال  
خود جهت مدفن ساخته و وقف کرده و بر سیادت و نجابت و صلاحیت میرسید قاسم  
را حافظ مقبره مزبوره نمود قریه الی الله و طلبالمرضاته و لصیغه شرعیة بالعربیة  
و الفارسیه متلفظ شدند و محل مزبور را از تحت تصرف خود اخراج و تخلیه نموده و  
به تصرف وقف داد و تولیت وقف مزبور را مادام حیوة مخصوص خود گردانید، مقرر  
آنکه هر ساله بعد از وضع تعمیرات شکست و ریخت ضروری یک عشر حاصل و  
منافع وقف مزبور را واقف به حق التولیه تصرف و نه عشر را به شرح ذیل صرف  
روشنایی و وظیفه حافظ مزبور نماید؛ جهت روشنایی هر ماه عن وظیفه حافظ مقرر  
آنکه هر صبح و شام در سر قبر مزبور حاضر گردیده یک جزو کلام مجید را  
تلوات و ثواب آن را به واقف هدیه نماید.

۳. در اصل: سفلیه

۱. در اصل: بخوانه

۲. در اصل: منضعات

و بعد وفاته تولیت وقف مزبور را واقف مومی‌الیه مفوض و مرجوع نمود به عالیحضرت ستوده مرتبت مقدس طینت شرافت و نجابت انتباه هدایت و مکرمت دستگاه فضیلت و افاضت انتباه محمدمت و مناعت و کمالات انتباه خلاصه الاشراف والنجباء الکرام غنی‌اللقابی میرزا نورالدین محمدالجیل عاملی و ارشد واصلح اولاد ذکور و اولاد اولاد ذکور معزی‌الیه بطناً بعد بطن و عقباً بعد عقب والعیاذبالله با وجود انقراض اولاد ذکور و اولاد اولاد ذکوران تولیت وقف مذکور به عالیجاه متولی سرکار است که به شرح تفصیل فوق هر ساله یک عشر منافع وقف مذکور را بعد از وضع ضروری تعمیرات وعن آنچه باعث بقاء و نماء وقف بوده باشد یک عشر را به حق التولیه تصرف و نه عشر را برین موجب صرف نماید: جهت روشنایی، جهت حافظ سر قبر مقرر آنکه در هر صبح و شام در سر قبر حاضر شده به قدر نیم جزو از کلام مجید تلاوت نماید و عزل و نصب حفاظ سر قبر مزبور در هر وقتی از اوقات منوط به رأی متولی مزبور است که بدانچه مناسب دانند معمول و مرتب گردانند، باید که محل مزبور را به نحو مسطور وقف مؤید و حبس مخلد دانسته تغییر و تبدیل در قواعد آن راه ندهند و تصرفات مالکانه در آن ننمایند، به حیث لایبایع و لایرهن و لایوهب و لایغیر و لایبدل فمن بدله بعد ماسمعه فانما ائمه علی‌الذین یدلون و من سعی فی ابطاله و تغیره فعليه لعنة الله والملائکه اجمعین و حره الله فی الدرک الاسفل مع الکفار والمنافقین.

و ایضاً واقف تمامی کتب مفصله ضمن را وقف طلبه علیّه مدارس مشهد مقدس معلی نمود و به دستور تولیت آن را مادام حیوته مخصوص خود و بعد از آن به عالیحضرت میرزا نورالدین محمد معزی‌الیه و اولاد ذکور و اولاد اولاد ذکور او مرجوع نمود ما توالدوا و تناسلوا بطناً بعد بطن و عقباً بعد عقب و بعد از انقراض اولاد ذکور و اولاد اولاد ذکور مومی‌الیه تولیت متعلق به عالیجاه متولی سرکار است. مقرر آنکه در هر مرتبه از مراتب مسفوره هر کس از طلبه مدارس محتاج به مطالعه و مباحثه آن بوده باشد، متولی مزبور داده تا مدت سه ماه نزد خود نگاهدارند و قبض به متولی سپارند و با رفع احتیاج به متولی رد و ثانیاً اگر خواهند به اذن جدید بازیافت نمایند. و ایضاً شرط شده که اگر حاصل وقف مزبور فوق وفا به روشنایی و وظیفه حافظ مزبور ننماید به نحوی که رأی متولی اقتضاء فرماید، حاصل وقف مزبور را بر سر روشنایی و وظیفه حافظ به مقتضای رأی خود سویت و قسمت نماید و در هر

باب عن آنچه لازمه امور تولیت بوده باشد معمول سرکار. تحریراً تاریخ رابع شهر ذی‌عبده الحرام من شهور سنه سبع ومانه والف ۱۱۰۷.

## کتاب موقوفه مزبوره:

تفسیر ابوالفتوح	تفسیر قاضی بیضاوی	قواعد	حدیث قدسی	عیون اخبارالرضا
جلد	جلد	جلد	جلد	جلد
منهاج الکرامه	فارسی هیئت	مختصر... ۵	خلاصه <sup>۴</sup> طحالی	ملاحظه حساب
جلد	جلد	جلد	جلد	جلد
مختصر نافع الفقه	مختصر علامه	خلاصه هیئت	آیات الاحکام	شمسیه منطق
جلد	جلد	جلد	جلد	جلد
خلاصه الادکار وسرا یرالصلوة	روضه الصفا	روضه الصفا	اربعین شیخ	کیمای سعادت
جلد	جلد سوم	جلد	جلد	جلد
الرساله	نهج الدعوات	شرايع	ثواب الاعمال	الداعی
	جلد	جلد	جلد	جلد
				منهاج <sup>۶</sup>
				جلد

خلاصه مضمون مسطور این صحیفه شرعی صادره از حضرت واقف مشارالیه است که حضرت واقف مومی‌الیه کل منزل محدود موصوف متن را با ملحقات شرعی وقف نموده بر مقبره معینه خود که در جوف ایوان مقبره غفران پناه ابن حسن خان به مال و رجال خود ساخته و بر یک نفر حافظ مزبور بعد از انهدام و خرابی وقف است

۴. کذا فی الاصل

۵. کذا فی الاصل

۶. در اصل: السلطان

بر فقرا و مساكين ارض اقدس، ديون آن را مادام حيات مأخوذ و بعد از آن به عاليحضرت ميرزا نورالدين محمدالمعزى اليه واصلح واتقى اولاد ذكور او و اولاد اولاد ذكور او و بعد از آن به عاليجاه متولى سركار است كه تفويض نمود، مقرر آنكه در مرتبه از مراتب مسطوره متوليان حاصل و منافع وقف را بعد از وضع تعميرات شكست و ريخت ضرورى به مقتضاي رأى خود صرف وظيفه حافظ و روشنايى مقبره مزبوره و بعد از انهدام و خرابى مقبره بر فقراء و مساكين بلده طيبه مشهد مقدس به مقتضاي رأى خودهر يك قسمت نمايد و كتب مفصله به شرحى كه در انتهاي اين ورقه مرقوم شده وقف طلبه علوم دينيه است والسلام.

سند شماره ۵۰: به تاريخ ۱۲۱۲ هجرى قمرى

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الهادى الى سبيل الرشاد الناظر لامر المعاش والمعاد والموقف الى طريق الفلاح والسداد المؤيد المنهاج الصلاح والرشاد والصلوة والسلام على محمد المبعوث الى كافة العباد... المبدأ والمعاد وعلى على و ذريتهما الى يوم التناد. اما بعد باعث بر تحرير و تسطير اين كلمات شرعية الدلالات، آنكه حاضر شد عاليجاه رفيع جاينگاه عظمت و حشمت و اجلال دستگاه عبدالمجيدخان وقف مؤيد و حبس مخلد نمود همگى و تمامى هفت جويه ميم معمور معتب واقع در باغات فيض آباد مع يك سهم آب از مدارسى و دو سهم مزبوره واقع در بلوك ريوند شامات من بلوكات بلده طيبه نيشابور محدود به اين حدود حد شرقى متصل به ممر عام حد شمالى به ملك عاليشان ميرزا محمد اسمعيل وزير با جميع توابع و لواحق و ممر و مدخل و كل مايتعلق به جهت ذخيره يوم لاينفع مال و لابنون بر كتابخانه مباركه سركار فيض آثار عظمت مدار امام السر و العلن حجة الله على الخالقين و سلطان<sup>۶</sup> المشرقين اعنى جناب ابوالحسن على ابن موسى الرضا عليه الاف التحية والثناء مشروط آنكه آنچه حال منافع هفت جويه مزبور عايد گردد صرف خرج صحافى صحف و كتب و اسباب حفظ كتابخانه مباركه گردد، الاذوعشر آن به عنوان حق التولية تعلق به كتابدار سركار

فیض آثار دارد و تولیت آن را مفوض نمود به عالیجناب مقدس القاب افادت و افاضت پناه حقایق و معارف آگاه کھف الحاج والمعتمرین حاجی الحرمین حاجی ملا محمد کتابدار سرکار فیض آثار و بعد با هر کسی که مباشر کتابخانه متبرکه باشد ذلك وفقاً صحیحاً شرعیاً فمن بدلہ بعد ماسمعه فانما اثمہ علی الذین یدلونہ بہ شرط آنکہ لایباع و لایرهن و لایخالف الوقف، و کسی که مخالفت شرایط مزبوره نماید بہ لعنت خدا و نفرین رسول خدا و اثمہ هدی گرفتار شود و کان ذلك فی ۲۲ شهر محرم الحرام سنہ ۱۲۱۲.

شهد مقدس علی را کرد و کومه باغ عنبر و مشکلب  
 همه اینان و حرم و حدود است محدود این عهد و نیکل  
 حللی حللی حللی حللی حللی  
 بکافه ملحقان و مضمان و متعلقات شرعیہ و عرفیہ  
 و عادیہ آنرا بمرکز مدخل ابواب و احساب و بیوت حلوتیہ  
 سفوتیہ و ضمایب متعلقه و غیر ذلک ذکر کرده اند که در نسخ  
 اند لو بتم هر کلمه مفسره معاویه و افقه در بابین پای میار که  
 کرد و صفت ابوان مفسره مرحمت و حضرتان پناه ابن حنفاز  
 و واض مزبور بحال و مجال خود جهت مدفن ساخته و وقف  
 کرده و بر سبادت و نیابت و صلاحیت مبرک پسند نام مرا  
 حافظ مفسره مزبوره نمود قریباً الله و طلبا المرضاة و لصبغه  
 شرعیة بالعبیة و الفاعلیة سببہ منلفظ شدند و محفلز بورا  
 انر بخت نصرت خود اخرج و نطلبہ نمود و بخصر و وقف  
 داد و تولیت وقف مزبور ما دام حیوة مخصوص خود کرد باید  
 مقرر آنکه هر ساله بعد از وضع نمبر این شکست و در  
 ضروری بکشت حاصل و منافع وقف مزبور از انص  
 بخی التولیة نصرت و نه عشر الیشیح ذیل و صرف روشنا  
 و در طبیفه حافظ مزبور نماید  
 احم فیض الله عزوجل هر مسیح نام از هر هزاره که در کتب علمیہ و عقود از انرا فیض  
 و بعد از آن تولیت وقف مزبور از انص موی الیه مفوض و